

تجربه سیل گلستان و ضرورت بازنگری در مدیریت داده ها

محمد احمدی*

داده های عظیم از اماکن و نفوس در مراکز نگهداری دستگاه های مختلف، به چه میزان کاربردی هستند و در مواقع نیاز به چه میزان یاریگرمان بوده اند؟ به عبارتی، اصولاً داده های زمانی که نتوانند در زنجیره پیوسته چرخش اطلاعات قرار گیرند، چه قدر سودمند خواهند بود؟

سیل گلستان، تجربه تلخی بود که در عمل، نتوانستیم از داده های گسسته در مدیریت بحران استفاده نماییم. داده های فراوانی که در انواع و اقسام شکلها و در بانک های اطلاعاتی سازمان های مختلف وجود دارد. اما این داده ها چه قدر توانستند در مدیریت سیلابی که بیش از یک ماه استان گلستان را درگیر خود کرد نقش موثر ایفا کند؟

در شرایط خاص مدیران بحران با بهره گیری از داده ها، می توانند با مدیریت بهینه نیروهای اجرایی و منابع نقش موثر تری در کنترل بحران و امداد رسانی ایفا نمایند. در دنیای امروز، انتظار این است که داشبوردهای مناسبی از اطلاعات مورد نیاز به شکل برخط و به روز در اختیار مدیریت ارشد باشد تا بتواند درست ترین تصمیم را در کوتاه ترین زمان ممکن اتخاذ نمایند.

اما هنگامی که با اطلاعات پراکنده، به روز نشده یا جزیره ای و بی ساختار و بدتر از آن، متناقض در دستگاه های اجرایی رو به رو هستید، نمی توانید انتظار داشت که مدیریت بحران در مواجهه با مسأله پیش رو و در نظر گرفتن منابع موجود بهترین تصمیم را بگیرد.

در کشور ما، علاوه بر سرشماری نفوس و مسکن، انواع داده ها در بانک های اطلاعاتی در دستگاه های مختلف تولید و ثبت می شود که سالانه برای نگهداری و به روز رسانی آن ها بودجه های هنگفتی صرف می شود. اما چرا با وجود الزامات قانونی و تاکیدات برنامه پنجم و ششم توسعه، نظام یکپارچه ای برای اتصال این بانک ها به یکدیگر شکل نگرفته است، و یا پیشرفت باید و شاید را نداشته است؟

از سوی دیگر، وجود بانک های اطلاعاتی بدون کارکرد مناسب (دولت الکترونیک) هیچ سودی برایمان نخواهد داشت. در حال حاضر و با توجه به رشد و توسعه قابل توجه سیستم های اطلاعات مکانی و هویتی، مدیریت جامعه بخصوص در زمان بحران می بایست آسان تر می شد که در بحران سیل اخیر فقدان مدیریت این اطلاعات بیش از پیش وجود سیستم های اطلاعاتی را ملموس ساخت.

در سیل اخیر گلستان با چند مشکل اساسی در استفاده از داده ها رو به رو بودیم:

نخست، عدم اتصال بانک های اطلاعاتی مورد نیاز به یکدیگر و همچنین عدم وجود تعریفی از گردش اطلاعات لازم در سازمان الکترونیکی، که ما آن را دولت الکترونیک می نامیم.

برای نمونه، در روزهای اولیه بروز سیلاب، با هجوم افراد زیادی به کمپ ها روبرو بودیم که متأسفانه امکان تشخیص اولویتی برای اسکان وجود نداشت و تعداد افرادی که دچار سیل نبودند و در کمپ های امدادی و اسکان دستگاه های مختلف استان

حضور پیدا کرده بودند کم نبود. تا با گذشت زمان و به کمک نیروهای امدادی، افراد اعتبار سنجی شدند و روزها طول کشید تا نیروهای امدادی توانستند پایش دقیق تری نسبت به وضعیت واقعی خسارت دیدگان داشته باشند.

تمارض احتمالی برخی از حاضران در این کمپ ها، حضور افرادی خارج از مناطق بحران زده در این کمپ ها به جهت بهره مندی از کمک های رایگان امدادی و اجناس، از تبعات نداشتن سیستم های یکپارچه در چنین مواردی است که نتیجه آن می تواند عدم توزیع عادلانه کمک ها و رسیدگی درست به آسیب دیدگان واقعی باشد.

مرتفع شدن مشکل موجود وابسته به در دسترس قرار دادن چند بانک اطلاعاتی همچون اطلاعات مکان محور پست، سیستم احراز هویت افراد ثبت احوال، سیستم اطلاعاتی شبکه بهداشت استان، سامانه شاهکار و سایر سیستم های مکان محور ثبت اسناد و ... بود که از قبل وجود داشت و با پایش حداقلی و بر پایه سرپرست خانوار به سادگی انجام پذیر می شد.

بر خلاف بسیاری از کشورها که اطلاع رسانی و به روز رسانی تغییر مکان زندگی الزامی است و عدم توجه به آن جرایم سنگینی را به همراه دارد، اما در ایران اطلاعات مکان زندگی شهروندان در رده اطلاعات اصلی هویتی قرار ندارد و ممکن است فرد بارها مکان زندگی خود را تغییر دهد لیکن تا زمان تعویض کارت ملی و یا مراجعات موردی، هیچگاه در فیلدهای هویتی وی ثبت نشود. در حالی که اگر الزامی قانونی و محکم به این امر وجود داشته باشد، احراز هویت فرد به همراه محل زندگی وی قابل رویت است. وجود چنین قابلیت (ولو با خطای نسبی) می توانست سرعت بیشتری به شناسایی و پایش شهروندان گرفتار سیلاب و امداد رسانی به آنان داشته باشد.

دومین تجربه، کاربردی نبودن و عدم آنالیز بسیاری از داده های مورد نیاز به ویژه در مدیریت بحران پیش رونده ای مانند سیل بود. حتی در برخی موارد، داده هایی که می توانستند به اطلاعات قابل تحلیل تبدیل شوند نیز موجود بود لیکن آمادگی فنی لازم برای بهره برداری مناسب و به موقع وجود نداشت.

سومین تجربه، مهارت کم در بهره از تکنولوژی های جدید پیشگیری یا مدیریت سیل بود. امروزه تکنولوژی IOT (اینترنت اشیا) تحولی در خصوص شناسایی و مواجهه با بحران هایی نظیر آتش سوزی و سیل و نظایر آن است. در استانی که در رتبه های بالای کشوری در زمینه بلایا و بحران های طبیعی قرار دارد، منطقی است که سیستم های هشدار سیل و آتش سوزی مبتنی بر IOT پیگیری و استفاده شود. همچنین استفاده از تکنولوژی های مبتنی بر سیستم های آنالیز تصاویر پهبادها و بهره از قدرت مانور و حمل و نقل ساده این وسایل پرنده - در حالی که موانع زیادی برای پرواز انسان در هوای نامناسب با هلیکوپتر پیش روست - می تواند در بحران هایی مانند سیلاب اخیر استان گلستان موثر واقع شود.

*** کارشناس ارشد مخابرات و مدیر کل ارتباطات و فناوری اطلاعات استان گلستان**